

مجله پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۶، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۳

جایگاه درستکاری، مسئولیت پذیری، دلسوزی و بخشش مدیران در نظام تعلیم و تربیت اسلامی*

مهدی نجفیان

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر مهدی لسانی

دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

محبوبه لسانی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

امروزه رفتار مدیران در جوامع اسلامی بیش از پیش بر رفتار سازمانی کارکنان و رفتار شهروندی مردم تاثیر گذار است؛ زیرا انتظاری از یک مدیر اسلامی آن است که به ارزش ها و اصول اخلاقی پایبند باشد. بی شک یکی از مهم ترین و موثرترین سازمان ها در ترویج و یا حذف اصول و ارزش های اخلاقی نظام تعلیم و تربیت است که نقش بسزایی در رشد فردی افراد، نیز رشد اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا می کند. درستکاری، مسئولیت پذیری، دلسوزی و بخشش از جمله ارزش های والای اسلامی هستند که رعایت آن ها از سوی مدیران نظام تعلیم و تربیت، می تواند رفتار اجتماعی و سازمانی نسل کنونی و آینده جامعه را به سمت اسلامی شدن واقعی، آنگونه که مورد تاکید قرآن کریم و سفارش پیامبر اعظم (ص) و ائمه معصومین (ع) است، به پیش ببرد. ترویج و اشاعه اصول اخلاقی یاد شده را می توان هم از طریق منشور اخلاقی مدارس با تاکید بر این چهار اصل

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۲۶

نشانی پست الکترونیک نویسنده: mn3215@yahoo.com

ارتقاء بخشید و هم از طریق کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی تخصصی اخلاق محور. همچنین نظارت مستمر بر موسسات آموزشی خصوصی و دولتی از طریق مراجع ذیصلاح و استفاده از سیاست‌های تشویقی و تنبیهی نیز می‌تواند بر اهمیت رعایت ارزش‌های اخلاقی بیفزاید.

واژه های کلیدی

درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی، بخشش، مدیران، نظام تعلیم و تربیت.

۱- مقدمه

رعایت اخلاقیات در نظام تعلیم و تربیت، امری لازم و ضروری است تا هم سیستم آموزشی از یک سو جامعه را دچار تعارض نکند و از سوی دیگر، منافع بلندمدت خود و جامعه را تضمین نماید.

اگر مدیران نظام تعلیم و تربیت اسلامی اگر آراسته به فضایل اخلاقی باشند و کارها را با صدق و درستکاری توأم با مسئولیت‌پذیری بانجام برسانند و همواره دلسوز سازمان و کارکنان و جامعه بوده و با نیروی بخشش در برخورد با دیگران تلاش کنند، خود زمینه ساز ترویج و اشاعه اخلاق و رفتار متناسب با ارزش‌های اسلامی در قشر عظیمی از افراد جامعه خواهند بود.

مسئله منابع دینی اسلامی به هر یک از اصول و ارزش‌های اخلاقی به نوبه خود پرداخته‌اند، اما جایگاه چهار اصل درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش مدیران در نظام تعلیم و تربیت اسلامی حائز اهمیت است.

امروزه از اخلاقیات در سازمان‌ها با عناوین گوناگونی یاد می‌شود که به اخلاق سازمانی، اخلاق حرفه‌ای، اخلاق مدیریتی، رشد اخلاقی و ... می‌توان اشاره نمود.

نکته ای که در مواجهه با مفهوم اخلاق حرفه‌ای باید مد نظر قرار گیرد، آن است که اخلاق حرفه‌ای، در برگیرنده اخلاق فردی و اخلاق شغلی است، و به سازمان به مثابه یک مجموعه حقوقی ناظر است. (امیری و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۲).

نظام اخلاق اسلامی به گونه‌ای است که با اخلاق حرفه‌ای در هم آمیخته و تفکیک ناپذیر است؛ زیرا در این نظام ملاک نهایی و نهایت سعادت بشری، الله

است و انسان در مقام خلیفه و جانشین الهی در زمین، محور توجهات اخلاقی است؛ بدین معنا که خشنودی انسان و خدمت به او موجب رضایت و تقرّب به خداوند می‌شود؛ از این رو، نظام اخلاق اسلامی با توجه به ملاک نهایی، در صدد است که با ارائه دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اخلاقی در سطح حرفه و زندگی اجتماعی همچنین با در نظر گرفتن پیشرفت‌های مادی در جهت بهبود زندگی انسان‌ها، زمینه سعادت و کمال حقیقی بشر را فراهم آورد (عاملی، ۱۳۸۱: ۴۹).

آنچه اهمیت این تحقیق را در حال حاضر بیشتر می‌کند، توجه و تاکید بر فضایل اخلاقی در شرع مقدس اسلام چه در خانواده و اجتماع و چه در محیط کار است که در بعد سازمانی، اخلاق حرفه‌ای و مدیریتی مبتنی بر ارزش‌های والای اسلامی مطرح می‌شود و بر سازمان و کارکنان آن تاثیرگذار بوده و رفتار سازمانی را به سمت و سوی رشد و تعالی سوق می‌دهد. حال در نظام تعلیم و تربیت، ارزش و اهمیت توجه و تاکید بر اخلاقیات بیشتر احساس می‌شود؛ زیرا سر و کار با افرادی است که تشنه آموختن و یادگیری هستند و بیش از آنکه از دانش اطرافیان بیاموزند از نگرش و رفتار آنان الگوبرداری می‌کنند و حاصل این رفتارها در نسل آینده نیروهای سازمانی و در رفتار شهروندی آنان جلوه‌گر خواهد بود.

درستکاری (Honesty)، مسئولیت‌پذیری (Responsibility)، دلسوزی (Sympathizing) و بخشش (Generosity) چهار اصل مهم در اخلاقیات است که یک مدیر در نظام تعلیم و تربیت اسلامی باید به آن‌ها آراسته باشد و به عنوان یک الگوی رفتاری کارکنان این نظام را در جهت رعایت و اشاعه این اصول یاری نماید تا بتواند این ارزش‌های اخلاقی را به کودکان و نوجوانان امروز تعلیم داده و با پرورش ابعاد اخلاقی آنان در کنار بعد آموزشی، در جهت اهداف اساسی جامعه اسلامی گام بردارد.

لذا این مقاله با توجه به اهمیت اخلاق مدیران نظام تعلیم و تربیت و اخلاق حرفه‌ای اسلامی و نقشی که در رفتار سازمانی ایفا می‌کنند با بررسی توصیفی

چهار متغیر درستکاری، مسئولیت پذیری، دلسوزی و بخشش در صدد پاسخگویی به سوالات زیر است؟

الف) اخلاق مدیریتی مبتنی بر ارزش های اسلامی چیست؟

ب) جایگاه درستکاری، مسئولیت پذیری، دلسوزی و بخشش مدیران در نظام تعلیم و تربیت چیست؟

۲- اخلاق مدیران اسلامی

اخلاق در حقیقت قدرت و توانایی است که در نفس انسان حاصل می شود و بر سلوک و رفتار او تأثیر می گذارد؛ یعنی به عبارتی به اعمال انسان در زندگی جهت می دهد و نیز یک حالت درونی است که آن را از کردار و رفتار فرد کشف می کنیم (عابدی و مغفوری، ۱۳۸۷: ۱۶). اخلاق به عنوان یک صفت یا حالت راسخ درونی ممکن است «فضیلت» و منشأ رفتار خوب باشد و یا «رذیلت» و منشاء کردار زشت که در هر حالت به آن (خلق) گفته می شود (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۷: ۱۶).

یکی از مسؤولیت های مهم هر انسانی، شناخت خویش و ورود به صحنه نفس برای سازندگی آن است. پایه اخلاق و عرفان، خودشناسی و خودسازی است و این دو، بر شناخت حقیقت انسان استوار است؛ به عبارت دیگر، خودشناسی و انسان شناسی، راه تهذیب نفس و اخلاق را بر ما می گشاید. در قرآن کریم به - عنوان عالی ترین سند غیبی و آسمانی آیاتی چند در این موضوع آمده است؛ دسته ای از آیات، انسان را تا سرحد فرشتگان و برتر از آنان می دانند و دسته دیگر رتبه او را، حتی از حیوانات و جامدات نیز پائین تر معرفی می کنند. در بعد مثبت انسانی می توان به آیات ۱۶۵ سوره انعام، ۳۱ سوره بقره، ۷۲ سوره احزاب، ۲۷ الی ۳۰ سوره فجر و ۱۳ سوره جاثیه اشاره نمود و در بعد منفی انسان به آیات ۷۲ سوره احزاب، ۷ سوره علق، ۱۱ سوره اسراء، ۵۴ سوره کهف و ۱ سوره عصر اشاره نمود (نیلی پور، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۴).

استاد مطهری (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۹) معتقد است معیار بسیاری از کارهای انسان «خیر اخلاقی» است، و به عبارت دیگر، بسیاری از کارها را انسان به جهت «ارزش اخلاقی» انجام می‌دهد، نه به جهت امور مادی. این ویژگی نیز از خصایص انسان است و به جنبه معنوی انسان مربوط است، سایر جانداران، هرگز چنین معیاری ندارند و برای آنان، خیر و ارزش اخلاقی بی‌معنی است.

رشد اخلاقی در قوانین اجتماعی، اصولاً برای راهنمایی و تشخیص رفتارهای درست و غلط طراحی شده است؛ به همین دلیل، مطالعه این که افراد چگونه این قوانین را بفهمند و اجرا کنند به طور سنتی تحت عنوان اخلاقی بودن یا رشد اخلاقی مطرح شده است. (کلبرگ (kelberg) ۲۰۰۱، به نقل از محمد اسماعیل، ۱۳۸۴: ۱۸).

اخلاق حرفه‌ای در نظام اداری جمهوری اسلامی باید هویت اسلامی داشته باشد و بر پایه اخلاق اسلامی شکل بگیرد. برای داشتن هویت اسلامی اخلاق حرفه‌ای، به چهار دلیل می‌توان اشاره کرد (امیری و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۵). الف) از لحاظ فرهنگی به دلیل وابستگی توده مردم کشورمان به نظام عقیدتی اسلام.

ب) جنبه دینی به دلیل جداناپذیری اخلاق از دین در متن دین اسلام.
ج) نیاز به پویایی درون فرهنگ اسلامی با توجه به مواجهه آن با چالش جهانی شدن.

د) از لحاظ نظام حکومتی، الزام به حکومت دین‌مدار در نظام حکومت دینی و از لحاظ قانونی، به تأکید قانون اساسی - در اصل هشتم - بر تصویب قوانین اسلامی در کشور.

در اخلاق حرفه‌ای اسلامی، ملاک نهایی اخلاق، همانا خواست خداوند خیر مطلق است. مهم‌ترین اصول راهبردی که می‌توانند منشأ شکل‌گیری مؤلفه‌های کاربردی اخلاق حرفه‌ای (اسلامی) شوند، عبارت‌اند از: الف) کرامت انسانی

ب) آزادی فردی ج) عدالت اجتماعی در مفهوم عام؛ یعنی قرار دادن هر امری در جایگاه شایسته آن د) امانت‌ورزی در دو سطح امانت‌داری و بینش امانت‌نگری در این بین، اصل چهارم مهم‌ترین اصل (اصل الاصول) است (همان: ۵۷).

مطمئناً اصول و ارزش‌های اخلاقی بسیاری وجود دارد که با عنوان فضائل اخلاقی شناخته شده و عمل به آن‌ها در دین مقدس اسلام مورد تاکید قرار گرفته است که باید در رفتار فردی و سازمانی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرند. لیکن در رفتار سازمانی بخصوص در نظام تعلیم و تربیت در کنار سایر اصول اخلاقی، درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند.

لنیک و کیل (Lennick & Kiel) (۲۰۰۵) در خصوص چهار اصل درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش معتقدند که درستی از نشانه‌های فردی است که دارای فضایل اخلاقی است. زمانی که ما به درستی فعالیت می‌کنیم، رفتار خود را یکنواخت می‌نمائیم تا منطبق بر اصول انسانی باشد. ما آنچه را که می‌دانیم درست است انجام می‌دهیم و در جهت اصول و عقایدمان عمل می‌نماییم.

مسئولیت‌پذیری یکی دیگر از فضایل اخلاقی مهم در اخلاق سازمانی است. تنها شخصی که تمایل به پذیرش مسئولیت اعمال خود و نتایج آن را دارد، می‌تواند مطمئن باشد که اعمالش مطابق با اصول انسانی است. دلسوزی و شفقت (مهربانی)، حیاتی و مهم است چون با نشان دادن علاقه به دیگران نه تنها ارتباطات محرمانه ما با دیگران شکل می‌گیرد؛ بلکه حالتی را در دیگران به وجود می‌آورد که هنگامی که ما به آنان بیشتر نیاز داریم با ما مهربان باشند. بخشش و عفو و گذشت نیز اصلی بسیار مهم است؛ زیرا بدون تحمل اشتباهات و دانستن عیب‌های خودمان، احتمالاً سخت، خشک و ناتوان در جلب دیگران در راه‌هایی که روابط متقابل را بهبود بخشند، خواهیم بود. مهربانی و بخشش در دو سطح

عمل می کنند: اولاً در چگونگی ارتباط ما با خودمان و ثانیاً در چگونگی ارتباط ما با دیگران.

الف) درستکاری

نیلی پور (نیلی پور، ۱۳۸۸: ۵۸۷) معتقد است که: «صدق و راستی یعنی اینکه انسان احوالش بی شائبه، فکرش بدون ریب و اعمالش بی عیب باشد.» ایشان درستکاری و صدق را در بُعد عملی عبارت از مطابقت اعمال ظاهری با حالات و صفات باطنی یا بهتر بودن حالت درون نسبت به ظاهر بیان نموده و در اهمیت صداقت و راستگویی چنین بیان می دارد که از شریفترین صفات برجسته اخلاقی، و از مهمترین ملاک های ارزیابی شخصیت ایمانی مؤمن برای کسب اخلاص کامل، صدق و راستی است و از آثار آن می توان به این موارد اشاره نمود: نشاط- ایمانی، اعتماد مردم، رضایت خدا و رسول خدا (ص) پایداری شخصیت، حفظ دین و اخلاق، رسیدن به نعمت های بهشتی، تزکیه اعمال، آرامش دل و تشویق به سوی پاکی و نیکی بیشتر و بهتر.

درهمین باره می توان به آیات ۱۱۹ سوره «توبه»، ۲۳ سوره «احزاب» و ۳۳ سوره «زمر» که بر راستگویی و صدق مؤمنان تأکید می نمایند اشاره نمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ: ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و با راستگویان باشید (توبه، ۱۱۹).

رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ. از مؤمنانند مردانی که راست گفتند آنچه را با خدا، پیمان بر آن بستند (احزاب، ۲۳).

وَأَلَّذِي جَاءَ بِالصُّدُقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ. و آن کس که وعده صدق آورد و آن را تصدیق کرد آن ها حقیقتاً اهل تقوی هستند (زمر، ۳۳).

خداوند در سوره مبارکه نساء در آیه ۸۷ می فرماید:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا؟ جز الله معبودی نیست. حتما شما را در روزی که شکی در آن نیست، گرد می آورد و چه کسی از خدا راستگوتر است؟!

و در همین سوره در آیه ۱۲۲ می فرماید: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا. کسانی را که ایمان آوردند و کار نیک انجام داده اند وارد باغ هایی خواهیم کرد که در زیر آن ها رودها جاری و روان است. آنان جاودانه تا ابد در آن جاماندگارند. این وعده الله است که حق است و چه کسی از خدا راستگوتر است؟

همانطور که ملاحظه می شود خداوند متعال مسأله صداقت را برای خود نیز مطرح می کند تا انسان مؤمن متوجه اهمیت این موضوع (صداقت) بشود؛ همچنین در سوره مبارکه مریم، صداقت و راستی در چند آیه در مورد پیامبران به عنوان خصلتی اخلاقی انسان مطرح می شود: **وَأذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا. إِبْرَاهِيمَ رَأَى كِتَابَ الْقُرْآنِ (قرآن) بیان کن که او بسیار راستگو و نبی بود (مریم، ۴۱).**

وَأذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا: ادریس را در کتاب (قرآن) بیان کن که او بسیار راستگو و نبی بود (مریم، ۵۶).

ج. وَأذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا: اسماعیل را در کتاب (قرآن) بیان کن که او در وعده هایش صادق و راست بود و رسول و نبی بود (مریم، ۵۴).

از آیات فوق این چنین استنباط می شود که صفت صدق و راستی ملازم و همراه تمام پیامبران بوده است تا کسی در صداقت و درستی ادعاهایشان شک و تردیدی نکند. لقبی که پیامبر گرامی (ص) قبل از اسلام به آن مشهور بود، صادق الامین (راستگوی امانت دار) بود؛ به این دلیل وقتی که پیامبر اکرم، بعد از سه سال دعوت از جانب خداوند مأمور می شود تا دعوتش را علنی سازد، خداوند به ایشان

چنین می فرماید: فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ . پس آشکارا بیان کن آنچه را که به آن فرمان داده می شوی و به مشرکان اعتنا مکن (حجر، ۹۴) لذا حضرت بر فراز کوه صفا فریاد می زند: « به من بگوئید: اگر به شما بگویم که پشت این کوه لشکری است که می خواهند به شما حمله کنند آیا مرا تصدیق می کنید؟ همه گفتند ما از تو دروغی نشنیدیم؛ یعنی تنها عاملی که باعث شد، مردم مکه پیامبر اکرم را تصدیق کنند همان ویژگی صداقت پیامبر (ص) حتی قبل از بعثت و پیامبری اش بود.

در سوره مبارکه احزاب در آیه ۲۴ می خوانیم که: لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ. تا خداوند صادقان را به خاطر صدقشان پاداش دهد و منافقان را عذاب کند.

در سوره مبارکه احزاب آیات ۷-۸ می خوانیم که از انبیاء الهی هم در مورد صداقت و راستگویی آنان سوال می شود. وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا. لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا. به یاد آور هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم و همچنین از تو و نوح، ابراهیم، موسی و عیسی پسر مریم. از آنان پیمان محکم و استوار گرفتیم. تا خداوند از صداقت راستگویان پرسش کند.

در سوره مبارکه مائده آیه ۱۱۹ می خوانیم: هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ. امروز روزی است که راستی راست گویان به آنان نفع و سود می رساند.

بنابراین، یکی از مهمترین اصول اخلاقی که اسلام به آن تاکید و سفارش می نماید، همانا درستکاری و صدق در رفتار، گفتار و اعمال است که مدیران نظام تعلیم و تربیت باید به این صفت پسندیده آراسته باشند تا هم الگوی زبردستان باشند و هم امور سازمان را با درستی و صداقت در راستای اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی و ارتقاء اثربخشی و بهره‌وری سازمانی و ملی به پیش برند. از

سوی دیگر آموزش و تعلیم صداقت به دانش آموزان نه به وسیله کلام که با رفتار و گفتار صادقانه امکان پذیر است. و این وظیفه ای است که نه تنها بر دوش مدیران نظام تعلیم و تربیت است که معلمان و کارکنان این نظام نیز باید مقید به رفتار و گفتار و کردار صادقانه باشند تا نتیجه و خروجی نظام افرادی صادق و درستکار باشند.

ب) مسئولیت پذیری

«ارزشمندی» و «مسئولیت» دو رکن اساسی داوری در علم اخلاق‌اند و در فقدان یکی از آن دو نمی‌توان از یک نظام اخلاقی سخن گفت؛ لذا عناصری که وجود آن‌ها در افراد، شرط پذیرش مسئولیت اخلاقی است را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱. بلوغ: یکی از شرایط اساسی مسئولیت اخلاقی و کیفری در متون اسلامی بلوغ است.
۲. عقل: وجود قوه تعقل نیز علاوه بر بلوغ طبیعی از شرایط مسئولیت اخلاقی است که نقشی اساسی در حصول علم و آگاهی افراد دارد؛ یعنی وجود قوه عقل و ادراک در فرد، مقدمه ضروری آگاهی است.
۳. علم یا امکان تحصیل آن: آگاهی و یا امکان کسب آگاهی و در موقعیت تحصیل علم قرار داشتن نسبت به زشتی و پلیدی آنچه باید ترک گردد و نسبت به خوبی و شایستگی آنچه باید انجام شود و چگونگی انجام آن، برای افراد ایجاد مسئولیت اخلاقی می‌کند.
۴. قدرت: توانایی انسان به پابندی بر فعل یا ترک اعمال؛ همچنین در صورت نیاز به ابزار و وسایلی برای ادای تکلیف، برآمدن از عهده تحصیل آن مقدمات نیز از عناصر و شرایط مسئولیت اخلاقی است.
۵. عدم اضطرار: شرایط دشوار و اضطرار در بسیاری موارد رافع مسئولیت اخلاقی است.

۶. عدم اکراه: زمانی که انسان از جانب شخص یا گروه جابر مورد تهدید باشد و برخلاف میل باطنی خود وادار به ترک فعل و یا انجام عملی گردد که به لحاظ اخلاقی زشت و ناپسند است نیز رافع مسئولیت اخلاقی است.

۷. قصد و تعمد: ترک وظیفه اخلاقی از روی سهو و خطا، هیچ گونه مسئولیت اخلاقی را متوجه فرد نمی نماید؛ ولی از روی عمد و اراده شرط دیگر مسئولیت اخلاقی است (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۷: ۴۶).

الگوهای رفتاری در سطح نهادها و سازمان های اجتماعی، وحدت بخش جامعه دینی است. تعریف کلی الگوهای اخلاقی و رفتار ارتباطی، مسئولیت پذیری در برابر حقوق افراد است. جامعه دینی از حیث تعامل سازمان ها و نهادهای اجتماعی در آن و نیز از نظر رفتار ارتباطی افراد، متضمن مسائل فراوانی است. این مسائل از تعیین دینی چنین جوامعی سر برمی آورند و با تعیین دینی نیز باید پاسخ یابند. اخلاق، سامان دهنده رفتار ارتباطی در مقیاس فرد، سازمان، جامعه و روابط جهانی است. رفتار ارتباطی درون شخصی و بیرون شخصی فرد در زندگی شخصی و زندگی شغلی، از طریق اخلاق سامان و انسجام می یابد. همچنین رفتار ارتباطی سازمان با محیط و نیز تعامل نهادهای اجتماعی با یکدیگر، در دو سطح ملی و جهانی، بر مبنای اخلاق قوام می یابد (عاملی، ۱۳۸۱: ۵۱).

مسئولیت پذیر بودن نه تنها موجب انجام بهتر و صحیح امور می شود؛ بلکه جلب اعتماد دیگران را نیز در پی دارد و میزان اعتبار اجتماعی افراد را نیز ارتقاء می بخشد. فرد مسئولیت پذیر ارزشمند بودن و عزت نفس را همواره در وجود خود احساس نموده و به دلیل کسب اعتبار اجتماعی از جایگاه برجسته تری نسبت به دیگران برخوردار می شود و مسیر ترقی و پیشرفت را سریع تر طی می کند.

امام علی (علیه السلام) حیطة مسئولیت پذیری انسان را در خطبة ۱۶۷ نهج البلاغه بسیار گسترده تعریف کرده و به کار گزاران خود در خصوص مسئولیت پذیر بودن نسبت به کلیه کارها و اقدامات چنین می فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ، فَإِنَّكُمْ

مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ». «از خدا بترسید در حق بندگانش و شهرهایش، زیرا شما مسؤولید حتی در برابر سرزمین ها و چارپایان».

در آیه ۴۱ سوره «حج» پیرامون مسئولیت پذیر بودن انسان چنین آمده است: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ. (یاری کنندگان خدا) کسانی هستند که اگر در روی زمین به آن ها اقتدار و تمکین بخشیم، نماز به پا می دارند و زکات به مستحقان می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت کارها به دست خداست (حج، ۴۱).

مسئولیت پذیری، مقدمات و شرایطی دارد و زمانی می توان مسئولیتی را به فردی سپرد که او این شرایط را احراز کرده باشد؛ لذا در ادامه مختصراً به این شرایط پرداخته می شود:

۱- مسئولیت پذیری زمانی تحقق می پذیرد که رسالت و تکلیفی در کار باشد؛ یعنی انسان، قبلاً کارهایی را با اراده و اختیار خویش پذیرفته باشد و سپس مسئولیت انجام آن را به عهده گیرد؛ نه کارهایی که تحت تأثیر جاذبه میل ها و دافعه خوف ها انجام می دهد.

۲- مسئولیت در جایی اعتبار می شود که فرد، دارای قدرت تمیز و ادراک باشد؛ لذا انسان ناآگاهی که دارای قدرت درک و فهم نمی باشد را نمی توان ملزم به انجام کاری کرد و به او مسئولیتی سپرد.

۳- زمانی می توان فرد را در مقابل وظیفه ای که داشته است مورد بازخواست قرار داد که آن فرد، قبلاً مسئولیت خود را شناخته باشد و این مستلزم رسایی پیام و دریافت آن توسط فرد مکلف می باشد.

۴- تکلیف کردن متوقف بر قدرت انجام وظیفه از سوی فرد مکلف است؛ لذا فرد ناتوان هر چند که آگاه باشد به این دلیل کار از حوزه عمل و قدرت او خارج است، مسئول نخواهد بود.

۵- زمانی می توان فرد را مسئول دانست که او با اختیار و اراده خود، انجام یا ترک کاری را به عهده گرفته باشد، نه اینکه مجبور به این کار شده باشد. بدون شروط بالا، مسئولیت دادن به کسی و بازخواست کردن از او معنایی ندارد و این مقدمات، از شرایط اساسی مسئولیت پذیری می باشد (آذر مهر، ۱۳۹۱: ۳).

مسئولیت پذیری از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است و علت اینکه این امانت عظیم، به انسان سپرده شد این بود که او این قابلیت را داشت و می توانست ولایت الهی را پذیرا گردد؛ یعنی درجاده عبودیت و کمال بسوی معبود لایزال سیر کند؛ چنانکه خداوند در قرآن می فرماید (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۶، جلد ۷: ۸۶):

أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا. ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم آنها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند اما انسان، آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود (احزاب، ۷۲).

بزرگترین مسئولیت انسان، در برابر نعمت هدایت و ولایت است؛ زیرا بدون تشریح دین و هدایت انسان، تمامی راهها به سوی کمال و سعادت او مسدود می شد. امام رضا (علیه السلام) می فرماید: *انَّ أَوَّلَ مَا يُسْتَلُّ عَنْهُ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الشَّهَادَةُ وَ التُّبُوءُ وَ مُوَالَاتِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ*. همانا اولین چیزی که در روز قیامت از بنده سؤال می شود؛ شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر و دوستی علی (ع) است (کاشانی، ۱۳۴۴، ج ۱۰: ۳۳۵).

حضرت علی (علیه السلام) در باب مسئولیت انسان در خطبه ۲۰۷ نهج البلاغه می فرماید:

و لَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ دُونَ خَلْقِهِ لِقُدْرَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَعَدْلِهِ فِي كُلِّ مَا جَرَّتْ عَلَيْهِ صُرُوفُ قَضَائِهِ وَ لَكِنَّهُ جَعَلَ

حَقُّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ وَجَعَلَ جَزَاءَهُمْ عَلَيْهِ مُضَاعَفَةَ الثَّوَابِ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَتَوْسَعاً بِمَا هُوَ مِنَ الْمَزِيدِ أَهْلُهُ. و اگر کسی را بر دیگری حقی ثابت است و آن کس را بر وی حقی نباشد این حق فقط برای خدای سبحان است نه غیر او؛ به خاطر احاطه قدرتش بر بندگان و عدالتش در تمام آنچه که فرمانش در آن جاری است؛ ولی حقی را بر بندگان چنین مقرر فرمود که او را بندگی کنند و مزد عبادت را بر عهده خود، برای بندگان، چند برابر قرار داد به علت تفضّل و کرمی که دارد و افزون دهی که شایسته و اهل آن است.

بنابراین، اولین مسئولیت انسان اطاعت و بندگی خداوند رحمان است و این امر، اهمیت مسئولیت و مسئولیت پذیر بودن را در تمام جوانب آشکار می‌شود. مسئولیت مدیران نظام تعلیم و تربیت، تنها در امور اداری و سازمانی خلاصه نمی‌شود. مسئولیت اصلی آنان آموزش و پرورش واقعی و متناسب با ارزش‌های والای اسلامی افرادی است که در آینده عهده دار مسئولیت‌های خطیر بسیاری در قبال خانواده، جامعه و کشور خود خواهند بود. آموزش مسئولیت پذیر بودن به نسل آینده جامعه یکی از وظایف اصلی نظام تعلیم و تربیت است که هم بر زندگی اجتماعی افراد و هم بر زندگی سازمانی آنان تاثیر گذار است

ج) دلسوزی

در قرآن کریم مصادیق بسیاری برای دلسوزی بیان شده است که از آن جمله می‌توان به آیه ۱۲۸ سوره «توبه» اشاره نمود: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ. به راستی که پیامبری از میان خودتان به سوی شما آمده است که هر رنج که شما می‌برید، برای او گران می‌آید؛ سخت هواخواه شماست و به مؤمنان رئوف و مهربان است (توبه ۱۲۸).

نیلی‌پور (۱۳۸۸: ۲۹۳) شفقت نسبت به مردم را مصروف داشتن همت و تلاش در برطرف کردن مشکلات مردم و نگرانی از مشکلات آنها در حال و آینده و

شفقت نسبت به خدا را توجه به خدا همراه با خوف تعریف نموده است. ایشان معتقد است که آثار شفقت نسبت به مردم عبارت است از: رفع اندوهها از انسان در دنیا و آخرت، تولید محبت و همبستگی، قرب الهی، نشاط دل و آسودگی روحی، رشد و تعالی و موفقیت دیگران، احساس مفید بودن در زندگی و مشارکت در امور خیر. و از آثار شفقت نسبت به خدا می توان به این موارد اشاره نمود: گریز از گناه، تقویت ایمان و تقویت مبانی دینی فرد.

خدای رحمان می فرماید: و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودةً و رحمةً ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون؛ از نشانه های بارز و برجسته و غیرقابل انکار قدرت او این است که از جنس خودتان برای شما همسرانی بیافرید و میانتان محبت و دلسوزی ایجاد کرد. برآستی در این نعمت نشانه های زیادی برای اهل تفکر وجود دارد» (روم، ۲۱).

نیروی محبت از نظر اجتماعی و سازمانی نیروی عظیم و مؤثری است. بهترین اجتماعها و سازمانها آن است که با نیروی محبت اداره شود. محبت مدیران نسبت به مردم و محبت و ارادت مردم به مدیران. علاقه و محبت یک مدیر، عامل بزرگی است برای ثبات و ادامه حیات سازمان، و تا عامل محبت نباشد او نمی تواند و یا بسیار دشوار است که سازمانی را رهبری کند و زیردستان را افرادی منضبط و قانونی تربیت کند ولو اینکه عدالت و مساوات را در آن سازمان برقرار کند. قرآن خطاب به پیغمبر می کند که ای پیغمبر نیروی بزرگی را برای نفوذ در مردم و اداره اجتماع در دست داری: فیما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب. و شاورهم فی الامر؛ و در کارها، با آنان مشورت کن» (آل عمران، ۱۵۹).

در این جا علت گرایش مردم به پیغمبر اکرم را علاقه و مهری دانسته که نبی اکرم نسبت به آنان مبذول می داشت. باز دستور می دهد که ایشان را ببخش و بر ایشان استغفار کن و با آنان مشورت نما. اینها همه از آثار محبت و دوستی است، هم چنان که رفق و حلم و تحمل، همه از شئون محبت و احسانند و باز قرآن می فرماید: ولا تستوی الحسنه و لا السيئة اذفع بالتي هي أحسن فاذا الذی بینک و بینه عداوش کأنه ولی حمیم؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است (فصلت، ۳۴) .

امیرالمؤمنین (ع) نیز در فرمان خویش به مالک اشتر آنگاه که او را به زمامداری مصر منصوب می کند درباره رفتار با مردم چنین توصیه می کند: و اشعر قلبک الرحمة للرعية و المحبة لهم ، و اللطف بهم ... فاعطهم من عفوک و صفحک مثل الذی تحب ان يعطیک الله من عفوه و صفحه؛ احساس مهر و محبت به مردم را و ملاحظت با آنها را در دلت بیدار کن ... از عفو و گذشت به آنان بهره ای بده همچنان که دوست داری خداوند از عفو و گذشتش تو را بهره مند گرداند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

قلب مدیران نظام تعلیم و تربیت، باید نسبت به دیگران کانون مهر و محبت باشد. با قدرت و زور می توان زیردستان را اداره نمود؛ ولی نمی توان نیروهای نهفته آنها را بیدار کرد و به کار انداخت. یک مدیر همچون پدری مهربان باید قلبا زیردستان را دوست بدارد و نسبت به آنان مهر بورزد و باید دارای شخصیتی جاذب و ارادت آفرین باشد تا بتواند اراده کارکنان و همت آنان و نیروهای عظیم انسانی آنها را در پیشبرد اهداف مقدس ملی و سازمانی خود به خدمت بگیرد؛ لیکن در نظام تعلیم و تربیت بجز کارکنان قشر عظیمی از افراد جامعه نیز حضور دارند که بخش مهمی از زندگی خود را در این نظام سپری می کنند و در سنینی

قرار دارند که بی محبتی و بی مهربی هم در علاقه به آموزش و یادگیری آنان و هم در پرورش ابعاد وجودی آنان موثر است.

آموزش دلسوز خود و دیگران بودن، ایجاد و گسترش روحیه تعاون و همکاری در میان افراد بوده و دارای تاثیر متقابل است.

د) بخشش

یکی از فضایل اخلاقی که همواره بر آن تأکید فراوان گردیده است بخشش، عفو و گذشت است که در قالب کلمه «رحمان» به عنوان یکی از صفات خداوند منان در دین مبین اسلام به معنی بخشنده و عفو کننده ذکر گردیده است. اهمیت بخشش را می توان در آیات بسیاری از قرآن مجید مشاهده نمود که از آن جمله می توان به آیه ۱۵۹ سوره «آل عمران» اشاره نمود: *فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ... فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ... (ای پیامبر) به لطف رحمت الهی با آنان نرمخویی کردی؛ و اگر درشتخوی سخت دل بودی بی شک از پیرامون تو پراکنده می شدند؛ پس از ایشان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در این کار با آنان مشورت کن؛ و چون عزم را جزم کردی بر خداوند توکل کن، که خدا اهل توکل را دوست دارد (آل عمران، ۱۵۹).*

امام علی (ع) نیز در مورد اهمیت عفو و بخشش در خطبه ۲۲۳ نهج البلاغه می فرماید: پس، سستی دل را با استقامت درمان کن و خواب زدگی چشمانت را با بیداری از میان بردار و اطاعت خدا را بپذیر و با یاد خدا انس گیر و یاد آور که تو از خدا روی گردانی و در همان لحظه، او روی به تو دارد و تو را به عفو خویش می خواند و با کرم خویش می پوشاند.

همچنین ایشان در خطبه ۵۲، در خصوص ارزش عفو و گذشت و بخشش می فرماید که «سزاورترین مردم به عفو کردن، تواناترینشان به هنگام کیفر دادن است».

در آیات ۵۸ تا ۵۹ سوره بقره؛ اولاً به بخشش مطلق گناهان تصریح شده است، ثانیاً به علت بخشیده نشدن آن نیز اشاره شده است: «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاذْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ»؛ «و (به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتیم در این قریه (بیت المقدس) وارد شوید... و بگوئید: خداوندا گناهان ما را بریز تا ما شما را بیامرزیم، و به نیکوکاران پاداش بیشتری نیز خواهیم داد. - اما افراد ستمگر این سخن را تغییر دادند (و به جای آن جمله استهزاء آمیزی می گفتند) و لذا ما بر ستمگران در برابر این نافرمانی عذابی از آسمان فرستادیم».

در صحنه زندگی اجتماعی بشر، کمتر کسی را می توان یافت که از عیب پاک بوده و از لغزش مصون باشد. اگر هم چنین افرادی پیدا شوند، بسیار نادرند؛ زیرا انسان همواره گرفتار کشمکش غرایز حیوانی و تمایلات عالی انسانی خویش است و هر کاری هم که از او سر می زند، فرایند نزاع این دو نیروست. پس به طور طبیعی، نمی توان انتظار داشت همه کارهای یک فرد درست و پسندیده باشد. هر کس به مقتضای حال خود کم و بیش لغزش هایی دارد؛ چنان که امام علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می نویسد: آنان (مردم) را از عفو و اغماض خویش برخوردار ساز، به گونه ای که دوست می داری خداوند تو را از عفو و اغماض خویش برخوردار سازد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

لذا بخشش و گذشت از اشتباهات خود و دیگران فضیلتی است که در اسلام و منابع دینی تأکید فراوان بر آن شده است و این به دلیل آثار روحی و ارتباطی مثبت و سازنده ای است که پس از بخشش، عاید فرد و اطرافیان می شود. پس مدیران نظام تعلیم و تربیت به عنوان الگوهای اخلاقی و رفتاری کارکنان و دانش آموزان باید به این خصلت نیکو و پسندیده آراسته باشند و از بزرگ نمایی اشتباهات دیگران خودداری نمایند؛ همانگونه که خداوند متعال ستار العیوب بوده و از گناهان و اشتباهات انسان می گذرد، یک مدیر نیز برای پیشبرد اهداف

سازمانی و حفظ آرامش در محیط کاری باید در حد معقول و تا جایی که ضرر جدی به منافع و اهداف سازمانی یا ملی وارد نشود، بخشنده باشد

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که از نتایج تحقیقات برمی‌آید در اسلام تاکید خاصی بر چهار اصل درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش شده است؛ این امر به‌ویژه در مورد مدیران و رهبران سازمانی و اجتماعی جوامع اسلامی بیشتر صادق است. مختاری‌پور و سیادت ضمن بررسی چهار اصل یادشده از دیدگاه لنینک و کیل و مقایسه آن‌ها با ابعاد دیگری که برای اخلاق در متون اسلامی مانند قرآن کریم، نهج‌البلاغه، تحف‌العقول، بحارالانوار، میزان‌الحکمه و غررالحکم در نظر گرفته شده است به این نتایج دست یافتند که در اسلام با توجه به اصول چهارگانه فوق، به سه اصل درستکاری، مسئولیت‌پذیری و بخشش توجه بیشتری شده است؛ البته دلسوزی نیز در جایگاه خود قرار دارد.

همان‌گونه که در مقاله حاضر در بررسی چهار مولفه مذکور بیان گردید پرورش اخلاقی مدیران نظام تعلیم و تربیت در وهله نخست موجب قرب به خدا شده و تولید محبت و همبستگی نموده و رشد و تعالی و موفقیت خود و دیگران را موجب شده و زمینه مشارکت در امور را فراهم می‌نماید و پس از آن به اخلاق مدار بار آمدن نسل آینده جامعه چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی و سازمانی منجر می‌شود که خود زمینه ساز رشد و بالندگی فردی، سازمانی و اجتماعی خواهد بود.

اگر مدیران نظام تعلیم و تربیت به خصائص برجسته و پسندیده درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش آراسته باشند، زیردستان و کارکنان آن‌ها نیز خود را مقید به رفتار براساس این چهار اصل دانسته و امور را به بهترین شکل ممکن انجام خواهند داد. در چنین نظامی است که تکریم محصلان و مراجعان

معنای واقعی به خود می‌گیرد و بهره‌وری و کارآیی به حداکثر رسیده و اثربخشی سازمانی ارتقاء می‌یابد.

بهره‌وری، کارایی و اثربخشی سازمانی نظام تعلیم و تربیت در یک جامعه اسلامی، تنها تعداد خروجی این نظام نیست؛ بلکه رشد اخلاقی و آموزش و پرورش توأمان تمامی ابعاد وجودی افرادی که وارد آن شده و حتی غیرمستقیم با این نظام مرتبط می‌باشند، است؛ مانند رفتار و اخلاقیات خانواده‌های محصلان و دیگر افراد جامعه. حال اگر مدیران نظام تعلیم و تربیت جوامع اسلامی این گونه عمل نمایند، کل جامعه دستخوش تغییرات اساسی مثبتی خواهد شد که بر رفتار شهروندی و اجتماعی مردم نیز تاثیر خواهد گذاشت و همه خود را ملزم به پایبندی و رعایت اصول یادشده در تمام شئون زندگی، سازمانی و اجتماعی خواهند دانست.

بی‌شک نظام تعلیم و تربیت یکی از مهمترین و موثرترین سازمان‌ها در ترویج و یا حذف اصول و ارزش‌های اخلاقی سازنده و حتی رذایل اخلاقی مخرب است که بر رفتار تک تک افراد جامعه تاثیرگذار بوده و نقش بسزایی هم در رشد فردی افراد و هم در رشد اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا می‌کند.

چهار اصل درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش بخش مهمی از ارزش‌های اخلاقی هستند که خود زمینه‌ساز رفتار بر اساس سایر فضیلت‌های اخلاقی هستند؛ بنابراین، توجه به چهار اصل درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش در نظام تعلیم و تربیت می‌تواند رفتار اجتماعی و سازمانی نسل کنونی و آینده جامعه را به سمت اسلامی شدن واقعی، آنگونه که مورد تاکید قرآن کریم و سفارش پیامبر اعظم (ص) و ائمه معصومین (ع) است به پیش ببرد.

درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش مدیران نظام تعلیم و تربیت را می‌توان هم از طریق منشور اخلاقی مدارس با تاکید بر این چهار اصل و هم از طریق کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی تخصصی اخلاق محور ارتقا داد. نظارت

مستمر بر موسسات آموزشی خصوصی و دولتی از طریق مراجع ذیصلاح و استفاده از سیاست‌های تشویقی و تنبیهی نیز می‌تواند بر اهمیت رعایت ارزش‌های اخلاقی تاثیر گذار بر مسائل اجتماعی و سازمانی بیفزاید.

کتابنامه

قرآن کریم.

- نهج البلاغه. (۱۳۷۸)، (ترجمه محمد دشتی)، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- صحیفه سجاده. (۱۳۸۴)، (ترجمه لطیف رشیدی)، تهران: امیرکبیر. چاپ دوم.
- آذر مهر، فاطمه (۱۳۹۱)، «وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری در قرآن و سنت»، دانشنامه اینترنتی موضوعی قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی <http://www.maarefquran.org>
- امیری، علی‌نقی؛ و دیگران. (۱۳۸۹)، «اخلاق حرفه‌ای ضرورتی برای سازمان»، فصلنامه مطالعات اسلامی در علوم انسانی، سال اول شماره ۲: ۵۱-۷۸.
- دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۷)، اخلاق اسلامی (ویراست دوم)، قم: دفتر نشر معارف، چاپ شصت و یکم.
- عابدی، عاطفه و مغفوری، مصطفی. (۱۳۸۷)، منشور اخلاقی و رفتاری مدیران و کارکنان دستگاه‌های دولتی استان کرمان، کرمان: استانداری.
- عاملی، منیژه (۱۳۸۱)، «بررسی مبانی نظری اخلاق حرفه‌ای در اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- کاشانی، فتح‌الله. (۱۳۴۴)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، جلد ۱۰، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- محمد اسماعیل، الهه. (۱۳۸۴)، «بررسی و مقایسه رشد اخلاقی نوجوانان عادی و دارای اختلال سلوک»، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی ۱۵، سال پنجم، شماره ۱، ۱۹-۱۶.
- مختاری پور، مرضیه و سیادت، علی. (۱۳۸۸)، «بررسی مقایسه‌ای ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن کریم و ائمه معصومین (ع)»، دوفصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی ۱۳۸۸؛ ۳(۴): ۹۷-۱۱۸.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸)، انسان در جهان‌بینی اسلامی، تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا (۱۳۶۶)، **تفسیر نمونه**، جلد ۷، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

نیلی پور، مهدی. (۱۳۸۸)، **بهشت اخلاق** (بررسی ۳۱۳ واژه اخلاقی)، جلد اول، قم: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج).

_____ (۱۳۸۸)، **بهشت اخلاق** (بررسی ۳۱۳ واژه اخلاقی)، جلد دوم، قم: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج).

Lennick, D & Kiel. F. (2005), *Moral intelligence: The key to enhancing business performance and leadership success*, Wharton School Publishing, An imprint of Pearson Education.